

شیطان شناسی

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد
عنوان و نام پدیدآور: شیطان شناسی / سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۵۰۵-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: شیطان، جنبه‌های قرآنی، احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ش ۹ ب ۱ / BP ۲۲۶
رده‌بندی دیوبنی: ۴۶۷ / ۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۴۳۶۱۸



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۵۰۵-۴ ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۵۰۵-۴ ISBN 978-964-539-505-4

شیطان شناسی

سید محمد بنی‌هاشمی
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
چاپ: ماه‌منظر



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

پست الکترونیک:
info@monir.com



کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

تقدیم بہ
پرگاہ محدث و ملوٹی

وارث ابی عبد اللہ الحسین علیہ السلام

و پیشوای مذہب جعفری

حضرت امام صادق علیہ السلام

بر نیابت از

آسمانیان غزادار در سوگ سالار شهیدان

و فرشتگان داغدار عاشورا

و ملائک مؤکل بہ قبر حسین علیہ السلام

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

فهرست مطالب

۱۷	پیش‌گفتار
۱۹	شب اول
۱۹	آغاز سخن
۲۰	صلوات به نیابت از حضرت مسلم <small>علیه السلام</small> و طفلان شهیدش
۲۲	اهل ولایت: هدف اصلی شیطان
۲۳	لزوم شیطان شناسی
۲۵	شیطان: دشمن قسم خورده
۲۶	لزوم دشمن دانستن شیطان
۲۸	توصیف امام هفتم <small>علیه السلام</small> درباره‌ی سر سخت‌ترین دشمن
۳۰	دشمن شناسی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۳۲	راه دور ماندن از شرارت شیطان
۳۲	روایت ریّان بن شیب
۳۶	یادی از مصیبت جناب مسلم بن عقیل



۳۹	شب دوم
۳۹	ابلیس: از جنس اجنه
۴۱	سجده‌ی ملائک بر آدم <small>علیه السلام</small>
۴۳	ابلیس: جتی در جمع ملائک
۴۶	چرایی «قرار گرفتن ابلیس با ملائک»
۴۷	نالهی ابلیس در چهار هنگام
۴۸	آغاز دشمنی و شرارت ابلیس
۵۰	دستگیره‌های نجات
۵۱	ذکر مصیبت سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> برای حضرت زکریا <small>علیه السلام</small>
۵۳	شرافت سرزمین کربلا
۵۴	معرفی کربلا به انبیای الهی
۵۵	یادی از ورود کاروان سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> به کربلا
۵۷	شب سوم
۵۷	مقدمه
۵۹	مروری بر بحث‌های گذشته
۶۱	سه یاور شیطان
۶۱	خواب: سرمه‌ی ابلیس
۶۳	سفارش به «سهر»
۶۴	غضب: داروی ابلیس
۶۶	ریشه‌ی غضب
۶۸	ممدوح بودن غضب لله
۶۹	داستان شیطان و نوح نبی <small>علیه السلام</small>
۷۱	غضب: همسایه‌ی جنون

۷۲ آرزوی حضرت ابراهیم علیه السلام در هنگام ذبح فرزندش

۷۶ یادی از مصیبت نازدانه‌ی ابا عبدالله علیه السلام

شب چهارم ۸۱

۸۱ مقدمه

۸۲ مروری بر بحث‌های گذشته

۸۶ راه‌کار مقابله با عصبانیت

۸۷ لعوق شیطان: دروغ

۸۸ تفاوت نداشتن دروغ جدی و شوخی

۸۹ دروغ بودن نقل‌های بی‌پشتوانه

۹۰ وعده‌ی دروغ

۹۲ یاوران برگزیده

۹۴ راز پنجمین نام

۹۵ سلام حجّت خدا، بر یاران برگزیده

۹۹ بر بال‌های توبه

شب پنجم ۱۰۳

۱۰۳ مقدمه

۱۰۴ مروری بر بحث‌های گذشته

۱۰۵ برخی وصایای ابلیس

۱۰۷ استعانت به عفت و قناعت در دنیا

۱۰۹ استعانت به حبّ علی بن ابی طالب علیه السلام در امر آخرت

۱۰۹ انواع وساوس شیطان

۱۱۲ نام خدا، رافع وساوس شیطان

- ۱۱۵ اهمّیت مجلس عزای اباعبدالله علیه السلام
- ۱۱۷ نفرین امام سجاد علیه السلام در حقّ حرم‌له‌ی ملعون
- ۱۱۸ یادی از شهادت جناب عبدالله بن حسن علیه السلام
- ۱۲۱ شب ششم
- ۱۲۱ مقدّمه
- ۱۲۲ در امان ماندن از شرّ دیگران به برکت بسم الله
- ۱۲۳ پاداش بسم الله: بهره‌ی دنیوی یا اخروی
- ۱۲۴ لزوم اخلاص و اقبال قلبی به خداوند
- ۱۲۵ طلب خیر از خداوند در هر کار
- ۱۲۶ نتیجه‌ی ترک نام خدا در آغاز کار
- ۱۲۹ فراری دادن شیطان با نام بردن از خدا
- ۱۳۱ یاد خدا و توسّل به اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۲ دعا برای پناهندگی به خداوند از شرّ شیطان
- ۱۳۵ رابطه‌ی قدرت شیطان و نفس
- ۱۳۶ دشمنی شیطان با اهل ولایت
- ۱۳۸ شیاطینِ خناس
- ۱۳۸ کثرت شیاطین
- ۱۳۹ شکنجه شیطان با یاد خدا و ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۰ رؤیای امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام عزیمت به جنگ صفین
- ۱۴۲ یادی از مصیبت قاسم بن الحسن علیه السلام
- ۱۴۵ شب هفتم
- ۱۴۵ مقدّمه
- ۱۴۷ راه کارهای بیچاره ساختن ابلیس

۱۴۷	راه کار اوّل: اعتصام به خداوند
۱۴۸	راه کار دوّم: کثرت تسبیح
۱۴۸	راه کار سوّم: توجه به رضایت برادر مؤمن
۱۴۹	تذکری درباره‌ی نماز
۱۵۱	راه کار چهارم: صبر بر مصیبت
۱۵۴	راه کار پنجم: رضا به روزی قسمت شده
۱۵۴	اولویّت نماز نسبت به طلب روزی
۱۵۷	دعای مستجاب نماز، نثار مولا
۱۵۹	حضور قلب در نماز
۱۶۲	یادی از روزی بی نظیر
۱۶۵	نظر اباعبدالله <small>علیه السلام</small> به زوّار خود
۱۶۹	ذکر مصیبت عطش
۱۷۵	شب هشتم
۱۷۵	مقدمه
۱۷۷	اهمّیت و شیوه‌ی اصلی بندگی خدا
۱۷۹	درس سرسپردگی از اصحاب سیدالشهدا <small>علیهم السلام</small>
۱۸۱	راه‌های نفوذ شیطان در انسان
۱۸۴	نفوذ شیطان از پیش روی انسان
۱۸۷	نفوذ شیطان از پشت سر انسان
۱۸۹	دنیا: رؤیای پوچ
۱۹۱	مذمت حبّ دنیا
۱۹۳	توسّل به فرزند رشید اباعبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>
۱۹۵	یادی از مصیبت حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>

۱۹۹	شَب نهم
۱۹۹	مقدمه
۱۹۹	توسّل به عنایت حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۲۰۲	حَبّ اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و نعمتی از آسمان
۲۰۵	فتنه‌های شیطان از پیش رو و پشت سر
۲۰۶	نفوذ شیطان از طرف راست
۲۰۷	برخی دیدگاه‌های به اصطلاح عارفانه درباره شیطان
۲۰۹	شیطان: مورد تأیید و کارگزار خدا؟!
۲۱۲	نفوذ شیطان از طرف چپ
۲۱۲	عشق مذموم: القای شیطان
۲۱۴	عشق مذموم و ممدوح
۲۱۷	مقدمات اختیاری عشق
۲۱۹	عشق ممدوح: عین عقلانیت
۲۲۰	رفتار و رویکرد عارفان حقیقی
۲۲۱	روزی که خورشید پناه آورد
۲۲۷	شَب دهم
۲۲۷	مقدمه
۲۲۸	داستان عنایت اباعبدالله <small>علیه السلام</small> به حاج ماشاءالله خداداد
۲۳۳	سفارش به نماز صبح عاشورا
۲۳۴	مروری بر بحث‌های پیشین
۲۳۸	اضلال از طریق تحسین شهوات
۲۴۱	نزدیک‌ترین اوقات شیطان به انسان
۲۴۵	راه غلبه بر شهوت

۲۴۹	رعایت احتیاط در ارتباط با نامحرم
۲۵۱	باوقاترین یاران
۲۵۴	روضه‌ی وداع
۲۵۷	شب یازدهم
۲۵۷	مقدمه
۲۶۰	توبه در خیمه‌ی اباعبدالله <small>علیه السلام</small>
۲۶۲	چتر ولایت، محافظ شراره‌های شیطان
۲۶۴	مروری بر بحث پیشین
۲۶۵	غضب و نساء: قوی‌ترین لشکریان شیطان
۲۶۹	شیطان و مبتلا کردن انسان به یأس
۲۷۰	داستان دام شیطان و مرد عابد
۲۷۲	صفات «بازیچه‌ی شیطان»
۲۷۳	بخل
۲۷۴	حرص
۲۷۶	حسد
۲۷۷	کبر
۲۸۰	عجله
۲۸۱	عوامل سلطه‌ی شیطان بر انسان
۲۸۲	عُجب
۲۸۳	زیاد شمردن عمل
۲۸۴	کوچک شمردن گناه
۲۸۶	ناله‌های جانسوز حضرت زینب <small>علیها السلام</small> در عصر عاشورا

۲۹۱	شب دوازدهم
۲۹۱	مقدمه
۲۹۲	مروری بر پیشینه‌ی بحث
۲۹۲	قدرت‌نمایی شیطان در زمینه‌ی مال
۲۹۳	مورد اول: مال حرام
۲۹۵	مورد دوم: حقوق واجب در مال
۲۹۷	مورد سوم: استفاده از مال در غیر محلّ خود
۲۹۹	زنان: مایه‌ی چشم روشنی ابلیس
۳۰۱	نوحه‌ی پرندگان بر سیدالشّهدا <small>علیهم‌السلام</small>
۳۰۵	شب سیزدهم
۳۰۵	مقدمه
۳۰۶	نصیحت ابلیس به حضرت یحیی <small>علیه‌السلام</small>
۳۰۷	پنج راه غلبه بر شیطان
۳۰۸	روزه
۳۰۹	صدقه
۳۱۰	حبّ فی الله
۳۱۳	داستانی از عنایت سیدالشّهدا و حضرت ابالفضل <small>علیه‌السلام</small>
۳۱۶	ذکر مصیبت حضرت امّ البنین <small>علیها‌السلام</small>
۳۱۹	شب چهاردهم
۳۱۹	مقدمه و مروری بر بحث
۳۲۰	یاری کردن یکدیگر بر کار نیک
۳۲۲	سه معنای اجابت دعا

فهرست مطالب □ ۱۵

۳۲۳	فوائد دیگر دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۲۶	اصلاح فرج امام زمان <small>علیه السلام</small> در یک شب
۳۲۸	تغییر مقدرات الهی با دعا
۳۳۰	استغفار
۳۳۴	ذکر مصیبت صدیقه طاهره <small>علیها السلام</small>
۳۳۹	فهرست منابع
۳۴۷	آثار مؤلف



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

پیش‌گفتار

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ
بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ
مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ^۱.

خداوند را شاکریم که ما را از نعمت بی‌نظیر ولایت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام محروم نفرمود. هر چه معرفت انسان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام عمیق‌تر باشد، عمق مصیبت عاشورای امام حسین علیه‌السلام را بیشتر درک می‌کند و این نه فقط برای زمینیان بلکه در مورد آسمانیان هم صدق می‌کند. همه‌ی اهل اسلام و همه‌ی اهل آسمان‌ها در سوگ سالار شهیدان عزای ماتم گرفتند و غم این مصیبت هیچ‌گاه و برای هیچ یک از دوستان ایشان کم‌شدنی و از بین رفتنی نیست.

با طلوع ماه محرم، این غم تازه می‌شود و دل‌های منتظران منتقم خون حسین علیه‌السلام به سوز و گداز می‌افتد و پرشورترین صحنه‌های عزاداری در سوگ یک پیشوا و رهبر در عالم تجلی پیدا می‌کند. باید با همه‌ی وجود از پروردگار مَنَّان بخواهیم که از قافله‌ی عزاداران

۱. فرازی از زیارت عاشورای سیدالشهدا علیه‌السلام.

حسینی علیه السلام عقب نمانیم و توفیق انجام این عبادت بزرگ را از دست ندهیم.

همه‌ی هدف شیطان این است که دست ما را از دامان ولایت اهل بیت علیهم السلام کوتاه کند و به هر شکل ممکن، ارتباط قلبی ما با ایشان را مخدوش نماید. یکی از نیازهای جدی و ضروری هر شیعه، شناخت راه‌های نفوذ شیاطین در قلب انسان و آشنایی با فریب‌های شیطانی است.

به همین منظور در محرم سال ۱۴۳۳ هـ ق بحث نسبتاً مبسوطی در جمع عزاداران سیدالشهدا علیه السلام در چهارده شب ارائه گردید که محور آن شناخت شیطان و اعوان و انصار او بود.

کتاب حاضر، متن پیاده شده این سخنرانی‌هاست که جمعی برای عرض ارادت به آستان مقدس ابی عبدالله علیه السلام زحمت پیاده‌سازی، مدرک‌یابی و ویرایش ادبی و علمی آن را بر عهده گرفتند.

این کتاب سومین اثر از سلسله مجالس حسینی علیه السلام است که در اختیار دوستان سیدالشهدا علیه السلام قرار می‌گیرد. در سال‌های گذشته از این مجموعه، کتاب‌های «لبیک یا حسین علیه السلام» و «دین‌شناسی عاشورایی» به چاپ رسیده است. امیدوارم زحمات کسانی که در به ثمر رسیدن این مجموعه تلاش کرده‌اند، با شفاعت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مقبول درگاه حق قرار گیرد و توفیق تکمیل سلسله مجالس حسینی علیهم السلام به همه‌ی ما عطا گردد.

سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام

۲۵ شوال ۱۴۳۶، مرداد ماه ۱۳۹۴

سید محمدبنی‌هاشمی



شب اوّل

آغاز سخن

به پیشگاه حضرت صدّیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی اطهر علیها السلام صلواتی تقدیم بفرمایید.

خدا را شاکریم که به ما توفیق داد شب اوّل محرّم دیگری را با حضور در مجلس اباعبدالله علیه السلام آغاز کنیم. بسیار جای شکر دارد که انسان بتواند با همان اعتقادی که مورد رضای اهل بیت علیهم السلام است به این عبادت مشغول شود. بسیاری افراد هستند که این سعادت را از دست می‌دهند. وقتی دست انسان از دنیا کوتاه شود، تازه می‌فهمد که خدمت و شرکت در مجلس اباعبدالله علیه السلام چه نعمت بی‌نظیری بوده است! امید داشتیم که قبل از محرّم امسال، ندای «أنا بقیه الله المنتقم» را بشنویم. خون امام حسین علیه السلام که «ثار الله» نامیده شده، تنها یک ثائر دارد. «الثائر بدم ایبه»^۱ از القاب وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است که هنوز ظهور نفرموده‌اند.

۱. بحار الانوار / ۳۳ / ۱۵۷ به نقل از کتاب سلیم به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام.



مختار ثقفی و امثال او، منتقم خون اباعبدالله علیه السلام نیستند. بلکه آن تاوان اولیه‌ای بود که خدا از آن جنایتکاران خبیث گرفت. منتقم اصلی هنوز نیامده است. همان کسی که وقتی خود را معرفی می‌کند، می‌فرماید:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا^۱

آگاه باشید ای عالمیان که نیای من حسین علیه السلام را تشنه شهید کردند!

در ابتدای این دهه دعا می‌کنم: خدایا! این زحمات و تلاش‌هایی که برای برپایی این مجالس انجام می‌شود را با امضای امام عصر علیه السلام مقبول درگاه خود قرار ده! و هر پاداشی که برای عزاداران محترم قرار می‌دهی، همه را در اذن ظهور محبوب دل‌هایمان فراهم بیاور؛ که تا او نیاید این غم فرو نمی‌نشینند! راستی تحمل این مصیبت در زمان غیبت، برای امام زمان علیه السلام بسیار دشوارتر از ماست.

صلوات به نیابت از حضرت مسلم علیه السلام و طفلان شهیدش

سال گذشته سنتی را در این مجلس محترم بنا کردیم و می‌خواهیم آن را امسال هم ادامه دهیم. توصیه کردیم که هر شب هم زمان با عرایض بنده، شما نیز عبادت بزرگی را انجام دهید و پانصد صلوات را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام هدیه کنید. امید استوار داریم که این عرض ارادت باعث شود مجلس ما بیشتر مورد توجه آن حضرت قرار بگیرد. چون این صلوات‌ها بسیار ارزشمند است.



به دلم افتاد امشب از باب سفیر امام حسین علیه السلام وارد شویم. اولین کسی که از سوی آقا اباعبدالله علیه السلام به سمت کوفه فرستاده شد، حضرت مسلم علیه السلام بود. نیز اول شهیدی است که جانش را فدای سید و آقایش کرد. ما هم در اولین گاممان دست به دامان ایشان و دو طفل معصومشان می شویم.

امشب این صلوات‌ها را به نیابت از حضرت مسلم و دو طفل شهیدشان می فرستیم و ثواب آن را به وجود مقدس امام عصر علیه السلام تقدیم می کنیم که انشاءالله عنایت و ویژه‌ای کنند و ما را به عنوان عزادار واقعی بپذیرند.

از زبان همه‌ی عزاداران حاضر در این مجلس به آن حضرت عرضه می داریم: «عصاره‌ی همه‌ی آرزوهای ما همین یک جمله است: «بِالْيَتْنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا». این آرزو را به دل مانگذارید که این آرزوی همه‌ی اولیاء و خوبان و پاکان بوده است.» به راستی بالاترین هدیه و صله‌ای که می شود از صاحب عزا دریافت کرد همین است.

در روایت است که: هر کس یک صلوات بفرستد، خداوند در هزار صف از فرشتگان هزار صلوات بر او می فرستد و بدین خاطر هر آنچه خداوند خلق کرده است، بر او صلوات می فرستند.^۱ این فضیلت عجیبی است. امید داریم این توفیق را داشته باشیم، شوق و رغبتش را هم داشته باشیم که اگر کسی این رغبت را نداشته باشد، مطابق روایت، جاهل و از خود راضی است.^۲

۱. الکافی / ۲ / ۴۹۲.

۲. همان.

اهل ولایت: هدف اصلی شیطان

موضوع بحث ما شیطان‌شناسی است. ممکن است پنداشته شود که ما را با شیطان چه کار؟! بله، ما با او کاری نداریم، اوست که با ما کار دارد! و اگر او را نشناسیم به سختی از او شکست می‌خوریم. هر قدر هم بزرگ باشیم و بالا برویم، این خطر و تهدید هست و همواره باید از شر شیطان به خدا پناه ببریم.

این را بدانیم که شیطان حتماً به سراغ ما می‌آید. به خصوص سراغ آن‌هایی که امام حسینی‌اند، سراغ آن‌ها که اهل ولایت اهل بیت علیهم‌السلام اند. آن‌ها که خارج از مسیر ولایت‌اند، خود به خود منحرف هستند و شیطان نیازی به فریب آن‌ها ندارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

لَقَدْ نَصَبَ إِبْلِيسُ حَبَائِلَهُ فِي دَارِ الْعُرُورِ فَمَا يَقْصِدُ فِيهَا إِلَّا
أَوْلِيَاءَنَا.^۱

شیطان دام‌هایش را در خانه‌ی فریب [دنیا] قرار داده است پس در آن، جز اهل ولایت ما را قصد نمی‌کند.

مراقب باشیم شیطان می‌خواهد کاری کند که ما به آرزوی بزرگی که از آن سخن گفتیم، دست پیدانکنیم. شیطان بسیار قوی است. اگر بپنداریم که به خود حریف او هستیم، اولین گام سقوط ما است. امیدواریم به برکت این روایات، خدا خودش ما را از شر این پلید لعین خلاص کند تا به آن آرزوی والا برسیم.



خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز اندکی، همه‌ی شما دنباله‌رو شیطان می‌شدید.

قصدمان این است که در این مجال شیطان را معرفی کنیم، و سوسه‌هایش را نیز بشناسیم و دریابیم که از چه راه‌هایی وارد می‌شود و چه مقاصد سوئی دارد. درگام بعد راه‌های پناه بردن به خدا از شر شیطان را نیز مطرح می‌کنیم.

لزوم شیطان شناسی

مفضل از امام صادق علیه السلام حدیثی قدسی نقل می‌کند. حضرت می‌فرمایند:

قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: اِفْتَرَضْتُ عَلَى عِبَادِي عَشْرَةَ فَرَائِضَ...
أُولَاهَا مَعْرِفَتِي وَالثَّانِيَةُ مَعْرِفَةُ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَ الْاِقْرَارُ
بِهِ وَ التَّصَدِيقُ لَهُ وَ الثَّلَاثَةُ مَعْرِفَةُ اَوْلِيَائِي وَ اَنَّهُمُ الْحُجَجُ
عَلَى خَلْقِي...

خداوند عزوجل فرمود: من بر بندگانم ده فریضه را واجب نمودم. اولین آن‌ها معرفت [اقرار] به [ربوبیت] من است. دوم: معرفت نسبت به فرستاده‌ام به سوی آفریدگانم و اقرار نسبت به او و تصدیق او و سوم: معرفت اولیاء من و این‌که آن‌ها حجّت‌ها بر آفریدگان من‌اند.



همان طور که می‌دانید این‌ها صدر اعتقادات ما است.

تا می‌رسد به مورد ششم:

وَ السَّادِسَةُ: مَعْرِفَةُ عَدُوِّيْ اِبْلِيسَ وَ مَا كَانَ مِنْ ذَاتِهِ وَ
اَعْوَانِهِ.^۱

و ششم: شناخت دشمن من، ابلیس است و شناخت خود او و یارانش.

این دستور خداوند است که ما خود شیطان را بشناسیم. بفهمیم اعوان و انصارش چه کسانی هستند. کارشان چیست؟ این، راه‌های نفوذ شیطان را هم به ما می‌فهماند. اگر سر خود را زیر برف کنیم و بگوییم: «مانمی‌خواهیم این امور را بدانیم» از شر او خلاص نمی‌شویم. این همه آیاتی که درباره‌ی شیطان در قرآن آمده، بیهوده نازل نشده است. قرآن برای قصه‌گویی و داستان‌سرایی نیست که فقط قصه‌ی شیطان را برای ما گفته باشد. نباید پنداشت که یک اتفاقی افتاده و تمام شده و رفته است. بلکه باید از قرآن و روایات درس شیطان‌شناسی گرفت و این آموزه‌ها را سرلوحه‌ی مبارزه با دشمنی‌های او قرار داد.

شیطان پدیده‌ی عجیبی است که او را بسیار اندک می‌شناسیم و کمتر به خطر او واقفیم و چون راه‌های نفوذ او را نمی‌دانیم، به همین دلیل زمین می‌خوریم. اما شیطان و اعوان و انصار او به خوبی واقف‌اند که نقاط ضعف ما کجاست، از همین راه‌های نفوذ وارد می‌شوند و ما را زمین می‌زنند.



شیطان: دشمن قسم خورده

قرآن کریم از زبان شیطان می‌فرماید:

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ^۱

به یقین من برای [فریب] آن‌ها بر صراط مستقیم تو می‌نشینم.

شیطان تأکید کرده که اهل صراط مستقیم را فریب می‌دهد. دو دشمن نیرومند همواره ما را تهدید می‌کنند که ما واقعاً در مقابلشان ضعیف هستیم. یکی دشمن درونی که نفس اماره است و دیگری دشمن بیرونی، که شیطان است. پیامبر ﷺ فرمودند:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ^۲.

دشمن‌ترین دشمنانت نفس تو است.

این نفس بداندیش به فرمان شدنی نیست

این کافر بدکیش مسلمان شدنی نیست

اگر کسی بتواند حریف نفس خود شود، مرد است. مرد آن نیست که از میدان جنگ فرار نکند. مرد آن است که پشت نفسش را به خاک برساند و پا روی خواسته‌های آن بگذارد. از آن بدتر، دشمن بیرونی، یعنی ابلیس است.

شیطان اعوانی دارد که دائم مراقب ما انسان‌ها هستند. خداوند نظام خلقت را این‌گونه قرار داده است که به همراه هر انسان، یک شیطان به

۱. الاعراف / ۱۶.

۲. عده اللّاعی / ۳۱۴.



دنیا می‌آید.^۱ پس تعداد شیاطین خیلی زیاد است. یکی از قدرت‌های آن‌ها نسبت به ما، این است که آن‌ها ما را می‌بینند، ولی ما آن‌ها را نمی‌بینیم.

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ^۲

او و قبيله‌اش شما را می‌بینند به گونه‌ای که شما آن‌ها را نمی‌بینید. اگر نتیجه‌ی این آیات و روایات این شد که از شیطان بترسیم از او به خدا پناه می‌بریم. می‌دانید که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خیلی عظمت دارند و همه‌ی عالم خلقت در مقابل ایشان خوار و حقیرند. با این همه عظمت، خدا به ایشان هم می‌فرماید:

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ^۳

پس از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.

در جایی که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم باید پناه ببرند، ما نباید پناه ببریم؟ ما نباید خود را در پناه خدا و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار بدهیم؟ از همین امشب به خدا عرض کنیم: «خدایا! ما حریف شیطان نیستیم، راستی نمی‌توانیم با او رو به رو شویم، خودت یاریمان کن.»

لزوم دشمن دانستن شیطان

دیدیم که خداوند در قرآن از زبان شیطان فرمود:

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ. ثُمَّ لَا يَنصَرُونَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

۱. بحار الانوار / ۶۰ / ۲۱۹ به نقل از تفسیر عیاشی.

۲. الاعراف / ۲۷.

۳. التعل / ۹۸.

وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ
شَاكِرِينَ^۱

به یقین من برای [فریب] آن‌ها بر صراط مستقیم تو می‌نشینم.
سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و چپشان، بر آن‌ها
نفوذ می‌کنم و تو بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت.
شیطان همه‌ی تلاشش این است که از هر راهی به آدمی نفوذ کند و
نگذارد که با ایمان و عاقبت به خیری از دنیا برود.

در حدیث معراج، جبرئیل امین، ابلیس را این‌گونه به پیامبر
اکرم ﷺ معرفی می‌کند:

يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّهُمْ عَنْ وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ وَ يَدْعُوهُمْ
إِلَى الْفِسْقِ وَالْفُجُورِ.^۲

او می‌خواهد آن‌ها (شیعیان تو و وصی‌ات) را از ولایت
امیرمؤمنان علیؑ باز دارد و آن‌ها را به گناه و زشتی دعوت کند.
بالاترین هم و غم شیطان این است که بندگان را که تابع ولایت
علی بن ابی طالب علیؑ هستند، از راه به در کند و این اوج دشمنی او با اهل
ایمان است. با چنین دشمنی باید چه کرد؟

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا^۳

به درستی که شیطان دشمن شما است. پس او را دشمن
بشمارید.

۱. فاطر / ۶.

۲. بحارالانوار / ۵۷ / ۲۰۷.

۳. فاطر / ۶.

می‌بینید خداوند چه زیبا راهکار می‌دهد؟ شیطان، هم دشمن خداست؛ هم دشمن من و شما. ولی ما غافلیم و او را دشمن به حساب نمی‌آوریم بلکه با او رفیق هم می‌شویم! اگر بدانیم که همین الان دشمن در مقابل ماست، چه می‌کنیم؟ خیلی مراقب هستیم که از او رودست نخوریم. در برابر او بسیار دست به عصا و با احتیاط حرکت می‌کنیم. تعامل ما با شیطان نیز باید همین‌گونه باشد و گرنه او هلاکمان می‌کند.

توصیف امام هفتم علیه السلام درباره‌ی سرسخت‌ترین دشمن

از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد:

فَأَيُّ الْأَعْدَاءِ أَوْجِبُهُمْ مُجَاهَدَةً؟

مُجَاهِدَةٌ بَاكِدَامِ دُشْمَنِ از همه واجب‌تر است؟

ایشان در پاسخ فرمودند:

أَقْرَبُهُمْ إِلَيْكَ...

آن‌که از همه به تو نزدیک‌تر است.

تابه حال دیده‌اید دشمن کسی در منزلش باشد؟ بعضی از ائمه علیهم السلام چنین مصیبتی داشتند که قاتلشان، همسرشان بود، یعنی آن کسی که در اندرونی منزلشان با ایشان زندگی می‌کرد. اگر من بدانم که دشمن خیلی به من نزدیک است و هر حرکت مرا رصد می‌کند با او چه می‌کنم؟

وَأَعْدَاهُمْ لَكَ وَ أَضْرُّهُمْ بِكَ...

و آن‌که دشمنی‌اش با تو، از همه بیشتر و نسبت به تو زیانبارترین است.

اظهار دشمنی، قوت و ضعف دارد. یک وقت کسی با گفتارش به ما

اهانت می‌کند، یک وقت نیزه می‌زند، خنجر می‌زند و می‌کشد اما یک وقت عذاب در دناک الهی را برای ما به بار می‌آورد. شیطان، کمر به هلاکت ابدی ما بسته است و لذا دشمنی او، با سایر عداوت‌ها قابل مقایسه نیست.

و أَعْظَمُهُمْ لَكَ عَدَاوَةً...

و آن‌که در میان دشمنان، بزرگ‌ترین دشمنی را با تو دارد.

و أَخْفَاهُمْ لَكَ شَخْصًا مَعَ دُئُوهٍ مِنْكَ...

و آن‌که از همه دشمنان، نسبت به تو پنهان‌تر است با آن‌که به تو نزدیک است.

نه تنها او را با چشم نمی‌بینی، بلکه اصلاً او را حس نمی‌کنی. با آن‌که به تو نزدیک است در روایت از رسول خدا ﷺ روایت داریم که شیطان مانند خون در بدن آدمیان جاری می‌شود.^۱ نمی‌فهمی این‌که به دلت افتاد، از شیطان بود. پیغمبر ﷺ و امام علیؑ دسیسه‌ی شیطان را می‌فهمند. اما ما نمی‌فهمیم که یک القاء خاص، از جانب اوست یا خیر. در عین حال که پنهان است نزدیک هم هست و از کوچکترین حرکات و حتی افکار ما غفلت نمی‌کند.

وَمَنْ يُحْرِضْ أَعْدَاءَكَ عَلَيْكَ وَهُوَ إِبْلِيسُ، الْمُؤَكَّلُ بِوَسْوَاسِ الْقُلُوبِ...^۲

و آن‌که دشمنان را علیه تو برمی‌انگیزد و او ابلیس است که وسوسه‌ی قلب‌ها، به او واگذار شده است.

۱. بحارالانوار / ۶۰ / ۲۶۸.

۲. بحارالانوار / ۱ / ۱۵۷.

منظور از «واگذار شدن» این است که قدرت این کار به او داده شده است.

او به دل ما راه پیدا می‌کند و می‌تواند در روح ما نفوذ کند.

دشمن‌شناسی حضرت ابراهیم علیه السلام

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام از طرف خدا مأمور شد که سر فرزندش را ببرد، و درباره‌ی این مأموریت با حضرت اسماعیل علیه السلام صحبت کرد، اسماعیل علیه السلام عرض کرد:

يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱
 پدر من! آن چه فرمان داده شده‌ای را انجام ده، که اگر خدا بخواهد مرا از صابران خواهی یافت.

جناب اسماعیل علیه السلام را آورد که ذبح کند. در آن لحظه واقعاً نمی‌دانست که فرزندش سرانجام از این امر جان سالم به در می‌برد، یا نه. و نمی‌دانست در این امر «بداء» صورت می‌گیرد.^۲ در روایت است که به همسرش فرمود که «توبه زیارت بیت پیرداز» و ایشان را با خود همراه نکرد. آن‌گاه اسماعیل علیه السلام را به سرزمین منابرد. چاقوی تیزی را در دست گرفت و سر به آسمان بلند کرد. یعنی «خدا یا برای امتثال امر تو این کار را انجام می‌دهم!» چاقو را روی گلوی فرزند گذاشت. اما وقتی فشار داد، دید چاقو برگشت و طرف تیزش به سمت بالا قرار گرفت. چند بار این اتفاق رخ داد و هر بار به اعجاز الهی چاقو نمی‌برد.

۱. الصافات / ۱۰۲.

۲. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: مَا بَدَأَ لِلَّهِ بَدَاءٌ كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ أَبِي إِدَا أَمْرُ أَنَاةِ إِبْرَاهِيمَ بِذَبْحِهِ ثُمَّ فِدَاءَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ (التوحيد صدوق / ۳۳۶)

تا آن که جبرئیل قوچی را برای قربانی نزد ایشان آورد و به ایشان وحی شد: «ای ابراهیم، تو آن رؤیا را صادق یافتی»، و خداوند نخواست که اسماعیل علیه السلام ذبح شود. اما به خاطر همین ماجرا ایشان ذبیح الله نامیده شد.^۱

زمانی که ابراهیم علیه السلام قصد داشت مأموریتش را در سرزمین منا انجام دهد، ناگهان پیرمردی در مقابل او آشکار شد و گفت: «ابراهیم! از این پسر چه می خواهی؟» ابراهیم علیه السلام گفت: «می خواهم سرش را ببرم.» گفت: «سبحان الله! پسری را سر می بری که چشم به هم زدنی نافرمانی خدا را نکرده است؟!» پاسخ ابراهیم علیه السلام این بود که: «خداوند مرا فرمان داده که او را سر ببرم.» شیطان ناامید نشد. گفت: «بلکه پروردگارت تو را از ذبح او نهی می کند و این شیطان است که تو را در خوابت به این کار فرمان داده است.» ابراهیم علیه السلام پاسخ دندان شکنی داد: «وای بر تو! کلامی که شنیدی، همان، مرا به این جا رسانده که می بینی. نه به خدا سوگند با تو سخن نمی گویم.» شیطان باز هم دست برنداشت و گفت: «تو امام و مورد اقتدا هستی اگر فرزندات را ذبح کنی همه ی مردم چنین می کنند. پس قدری درنگ کن!» اما ابراهیم علیه السلام دیگر با او سخن نگفت.^۲ شیطان سه بار در جمرات ظاهر شد تا نگذارد ابراهیم علیه السلام امر خدا را اطاعت کند. اما هر بار حضرت ابراهیم علیه السلام او را با پرتاب سنگ از خود راند.^۳ ولی این

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «انابنُ الذبیحین» من پسر دو ذبیح هستم. (عیون اخبار الرضا علیه السلام / ۱ / ۲۱۰) منظور از دو ذبیح، یکی حضرت اسماعیل علیه السلام و دیگری جناب عبدالله علیه السلام پدر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله است که به فضل الهی هیچ کدام ذبح نشدند.

۲. الکافی / ۴ / ۲۰۸.

۳. بحارالانوار / ۹۶ / ۳۹.

ابراهیم علیه السلام است که شیطان را تشخیص می‌دهد، من و شما که تشخیص نمی‌دهیم!

راه دور ماندن از شرارت شیطان

با این اوصاف نترسیدن از شیطان، حاکی از غفلت و بی‌خبری از خطر است. بنابراین ابتدا باید بترسیم و خطر را جدی بگیریم، بعد از آن به خدا و پناهگاه اهل بیت علیهم السلام پناهنده شویم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا وَسَّسَ الشَّيْطَانُ فِي صَدْرِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَ أَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قَدَّرَ وَ قُضِيَ، وَ أَعُوذُ بِإِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.^۱

هنگامی که شیطان در سینه‌ات وسوسه نمود، پس بگو: پناه می‌برم به خداوند نیرومند از شر شیطان گمراه. و پناه می‌برم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم که مورد رضا [ای خدا] است؛ از شر آن چه برای من تقدیر و قضا شده، و پناه می‌برم به معبود مردمان، از شر تمامی جن و انس.

روایت ریّان بن شبيب

امشب شب اول محرّم است. اگر خداوند توفیق داد، نمازی که برای شب اول محرّم سفارش شده است بخوانید. دو رکعت است به این کیفیت: در هر رکعت یک حمد و یازده قل هو الله احد. و نیز فردا که روز اول محرّم است، اگر خداوند توفیق داد روزه آن مستحب است.

۱. بشارة المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم لشعبة المرتضى علیه السلام ۲ / ۲۷.



فرموده‌اند اگر کسی نماز امشب را بخواند و فردا را نیز روزه بگیرد، در طول سال محفوظ می‌ماند. اگر هم در طول سال از دنیا برود، بهشتی خواهد بود.^۱

می‌خواهیم حدیث ریّان بن شیبب را بخوانیم. حدیث عجیبی است. هر بار آن را می‌خوانیم درس جدیدی به ما می‌دهد.

ریّان می‌گوید: من روز اوّل محرّم، خدمت امام هشتم علیه السلام رسیدم. فرمود: «ابن شیبب، روزه هستی؟» عرض کردم: «خیر!» فرمود: «امروز همان روزی است که حضرت زکریا علیه السلام، پروردگار خود را به این حاجت خواند: «پروردگارم! به من ذریه‌ی طیّبه‌ای عطا فرما که تو شنوای دعایی!»، و خداوند دعایش را مستجاب و یحیی علیه السلام را به او عطا فرمود.»

این همان یحیایی است که مثل امام حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمد.^۲ این همان یحیایی است که سرش را یک ناپاک برید و برای یک ناپاک دیگر فرستاد،^۳ و همین مصیبت برای حسین علیه السلام هم رخ داد. این‌ها فقط یک اتّفاق نیست که خداوند یک چنین روزی دعای زکریا علیه السلام را مستجاب کند.

ملائکه، زکریا علیه السلام را در حالی که در محراب مشغول نماز بود، ندا دادند: «خداوند تو را به یحیی علیه السلام بشارت می‌دهد.» سپس فرمودند: «هر کس امروز را روزه بگیرد، و سپس خداوند را بخواند، خدا او را اجابت می‌فرماید، هم چنان که برای زکریا استجابت فرمود.»

۱. مستدرک الوسائل / ۷ / ۵۳۰.

۲. بحار الانوار / ۱۴ / ۱۷۹.

۳. بحار الانوار / ۱۴ / ۱۷۵.

فردا که روز جمعه است هنگامی که قرص خورشید در افق مغرب پایین می‌رود و آهسته آهسته محو می‌شود، زمان استجاب دعا است. حضرت زهرا علیها السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی در روز جمعه هست که خداوند هر حاجت خیری را در آن روا می‌کند. و آن زمانی است که نیمی از قرص خورشید در افق مغرب پایین رفته باشد.^۱

این لحظات را مغتنم بشمارید. به یاد داشته باشید که در این چند روز برای منتقم خون امام حسین علیه السلام بیشتر دعا کنید که فرج او، فرج همه‌ی مؤمنین و مؤمنات است.

امام رضا علیه السلام چنین ادامه دادند:

پسر شیبیب! محرّم ماهی است که اهل جاهلیت که بت پرست بودند، ظلم و جنگ در این ماه را، به خاطر حرمتش، حرام می‌دانستند. اما این اّمّت نه حرمت این ماه خود را نگه داشتند و نه حرمت نبیّ شان را. ذریّه‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله را در همین ماه کشتند، و دختران او را به اسارت گرفتند و همه‌ی اشیاء قیمتی شان را به غارت بردند. خداوند هیچ‌گاه آن‌ها را نبخشد.

آن‌گاه جملاتی فرمودند که قلب هر شیعه‌ای را آب می‌کند:

يَا ابْنَ شَيْبِيبٍ اِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَاَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 اَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَبْشَ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ
 أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبُهُونَ...



پسر شیبب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن. چون سر او را بردند، همان طور که گوسفند را سر می‌برند. و همراه او هجده مرد از اهل بیتش به شهادت رسیدند که هیچ یک در زمین مثل و مانندی نداشتند.

...وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُبْرٌ إِلَيَّ أَنْ يَتَقَوْمَ الْقَائِمِ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ...

به سبب کشته شدن او هفت آسمان و زمین‌ها به گریه افتادند. چهار هزار فرشته برای یاری او به سوی زمین فرود آمدند، اما او را کشته یافتند. پس آنان پریشان و غبار آلوده نزد قبر ایشان اقامت کرده‌اند، تا روزی که قائم علیه السلام، قیام کند و آن‌گاه در زمره یاران او خواهند بود و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

و در پایان فرمودند:

يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيْتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَيَّ خَدَّيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام!

پسر شیبب! اگر بر حسین علیه السلام گریستی تا این‌که اشک‌هایت به گونه‌هایت رسید، خداوند تمام گناهانی که مرتکب شده‌ای را می‌بخشد؛ کوچک باشد یا بزرگ؛ کم باشد یا زیاد. پسر شیبب! اگر



شادمان می‌شوی، خدا را ملاقات کنی در حالی که گناهی بر تو نباشد، پس حسین علیه السلام را زیارت کن.

اگر اشک روی گونه‌هایتان جاری شد آن را به گلوگاه خود بمالید تا زمانی که جان به گلو رسید بوی امام حسین علیه السلام بدهد. ملک الموت وقتی بوی امام حسین علیه السلام را استشمام کند به ما رحم خواهد کرد. در روایات داریم که وقتی فردی نسبت به نماز‌هایش مقید و محافظ باشد خود ملک الموت به او شهادتین را تلقین می‌کند.^۱ امیدواریم که اشک بر امام حسین علیه السلام نیز چنین اثر بزرگی را داشته باشد. یا دست کم موجب مدارای عزرائیل با ما شود.

یادی از مصیبت جناب مسلم بن عقیل

همین شب جمعه دلتان را روانه‌ی آن حائر کنید. الان کربلا چه خبر است؟ از جانب سفیرالحسین علیه السلام مسلم بن عقیل، سلام دهید.

او زمانی از کوفه به حضرت سلام داد که دیگر دستش از همه جا کوتاه شده بود. چه قدر برای مولایش غصه خورد! چگونه باید به آقا خبر می‌داد که به سوی کوفه نیایند؟ چگونه می‌توانست ایشان را از ناجوانمردی کوفیان مطلع کند؟

خدا تقدیر کرده بود که حضرت مسلم نیز بعضی از مصائب سیدالشهدا علیه السلام را بچشد و بعد به شهادت برسد. غربت را چشید، تنهایی را چشید، همه‌ی دشمنان در کمین او بودند، یگه و تنها در کوچه‌های کوفه مانده بود، هیچ کس نبود به او پناه دهد. فقط یک زن پیدا شد که به او پناه داد. غربت و تنهایی را که چشید، خدا خواست

۱. من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۱۳۷.



تشنگی را هم بچشد. آن قدر تشنگی به او فشار آورد که از آن پلیدها خواست جرعه‌ای آب به او بدهند. آب را به دستش دادند، اما قسمتش نبود بنوشد. زیرا خون از دهانش به داخل آب ریخت. در حالی که پوستش از تشنگی خشک شده بود،^۱ چه بسا در لحظات آخر سلامی به آقا اباعبدالله علیه السلام داد و این سلام به مولایش رسید.

وقتی خبر شهادت مسلم را به اباعبدالله علیه السلام دادند ایشان گریستند و رحمت و درود و رضای خدا را نثار وی کردند:

رَحِمَ اللهُ مُسْلِمًا فَلَقَدْ صَارَ إِلَى رَوْحِ اللهِ وَ رَيْحَانِهِ وَ تَحِيَّتِهِ
وَ رِضْوَانِهِ.^۲

آن‌گاه در روز عاشورا وقتی خود آقا غریب و عطشان بودند، جواب سلام مسلم را دادند. آن زمان که صدای غربت آقا بلند شد و مسلم و دیگر یاران خود را یکی یکی صدا کردند؛ در حالی که آن‌ها قادر نبودند به مولای خود لبیک بگویند.^۳

خدایا، ما نیز امشب از جانب این سفیر امام حسین علیه السلام سلام می‌دهیم. از ما بپذیر و جواب ما را عنایت بفرما.

آیا دلتان نمی‌خواهد که جای مسلم بودید و آقایتان از شما راضی بود؟ پس بگویید: یا لیتنی كنت مع المسلم. ای کاش من هم با مسلم بودم.

۱. الارشاد / ۲ / ۶۱.

۲. بحار الانوار / ۱۴ / ۱۷۵.

۳. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام / ۵۸۲ - ۵۸۱.

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school